

تلاقی سبک خراسانی و هندی در حماسه دلگشانامه آزاد کشمیری

مرضیه جعفری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات حماسی، دانشگاه فردوسی

مشهد

دکتر فرزاد قائمی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تأثیر شاهنامه فردوسی، باعث شکل‌گیری منظومه‌های حماسی ملی در ایران شد. از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، سرایش حماسه‌های تاریخی و پس از آن حماسه‌های مذهبی شکل گرفت. با رسمیت یافتن تشیع و حمایت صفویه از سرایندگان مسلمان، منظومه‌های حماسی - دینی در مدح پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و... پا به عرصه ظهور گذاشتند. دلگشانامه آزاد کشمیری یکی از شاخص‌ترین این حماسه‌های دینی فارسی در ژانر مختارنامه است که با توریق در آن می‌توان شواهد بسیاری از سبک خراسانی و هندی جستجو کرد. در این جستار، جلوه‌هایی از سبک هندی دلگشانامه در سطوح زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است.^۱

کلیدواژه‌ها: آزاد کشمیری، فردوسی و سبک هندی.

۱. بررسی «سبک خراسانی در حماسه دلگشانامه آزاد کشمیری» توسط مرضیه جعفری ← رجوع به مجموعه مقالات سخن گفتن پهلوانی، همایش پیام شاهنامه، پایندگی زبان فارسی، دانشگاه فردوسی، اردیبهشت ۱۴۰۱.

چه گویم ز فردوسی پاک‌زاد؟ کاو رستم است و سخن کیقباد
ندارد کلامش غم‌نیش‌زن کز او پشت بر کوه دارد سخن

میرزا ارجمند آزاد کشمیری از فرزندان عبدالغنی بیگ، شاعر بزرگ کشمیری است که قبول تخلص می‌نمود. قبول، اصالتاً ریشه در بدخشان داشت، اما در کشمیر متولد شده بود. او از بزرگ‌ترین شاعران سبک هندی بود. شاگردان او در کشمیر و هند، مکتب و جمعیت شعری «مقبولیه» را بنا نهادند (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۵: ۱-۷۰). فرزند او میرزا ارجمند نیز عارف، ادیب، مورخ و از پارسی‌گویان به نام هند در قرون یازدهم و دوازدهم بود که علاوه بر دلگشنامه، حمله حیدری باذل مشهدی را نیز به اتمام رساند و امروز با نام تکمله حمله حیدری موجود است.

دکتر کاتوزیان می‌گوید: نمی‌دانم لفظ «حماسه» از چه زمانی به یک نوع «ژانر» شعر فارسی اطلاق شد احتمالاً در تعامل با شعر اروپایی در دوره‌های اخیر به وجود آمده است. لازم نیست یک حماسه حتماً مجموعه‌ای از اساطیر و افسانه‌های باستانی یک قوم باشد، چنان‌که گرشاسب‌نامه اسدی طوسی چنین نیست. اگر وزن متقارب «فعولن فعولن فعلن» شاهنامه را در نظر بگیریم؛ باز هم ملاک حماسه پهلوانی نیست؛ چنان‌که مثلاً بوستان سعدی در این وزن سروده شده است. (کاتوزیان، ۲۰۰۲: ۶۰-۷۵۰). با این مقدمه اگر در یک اثر، تلاقی سبک خراسانی و سبک هندی را شاهد باشیم خیلی دور از ذهن نیست.

نسخه خطی دلگشنامه که به تازگی تصحیح شده است، منظومه‌ای حماسی - دینی درباره مختار و خون‌خواهی امام حسین (ع) است. این مثنوی در مدّت ۶ سال در ۱۱۳۱ ق/ ۱۷۱۹ م سروده شده است. نام‌های دیگر اثر: نامه دلگشا، دیوان دلگشا، رساله دلگشا و

۱. ارجاع بیت‌ها از دلگشنامه در این مقاله بر اساس شماره صفحه ابیات در نسخه کتابخانه ملی است.

مختارنامه است. در میان نسخ موجود از دلگشنامه، نسخه کتابخانه ملی بهترین و کامل‌ترین نسخه است که ۲۳ مجلس نقاشی به سبک مینیاتور و تذهیب هندی در مضمون مجالس خلفا و صحنه‌های رزمی دارد.

سبک اشعار آزاد کشمیری، در ادامه شعرای سبک هندی قرن دوازدهم در حوزه شبه‌قاره است. در واقع، مفهوم سنتی غزل سبک عراقی در عهد صفوی، با راه‌یافتن شعر به کوچه و بازار به مکتب واقع‌گویی تبدیل شد^۱ و با مسافرت شاعران به هند بدانجا نیز منتقل شد. در این طرز نو که بعضی ادبای ما آن را سبک اصفهانی می‌خوانند، میل به مضمون‌بندی و خیال‌پردازی، مخاطب را به تلاش ذهنی وامی‌دارد (آریان، ۱۳۵۲: ۹-۶۴). فتوحی این نوع شعر آکنده از مجازها و استعاره‌های دور از ذهن را «بهاگ» می‌خواند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۸). او معتقد است در سبک هندی، اسطوره‌ها به صورت تقلیدی می‌آیند و اشعار مشکله، معماگویی، چیستان‌سازی، ماده‌تاریخ‌سازی و از این قبیل ابیات پیچیده در مقابل اسطوره قرار می‌گیرند (همان: ۵۳). هم‌چنین در قرن ۱۰ تا ۱۳ ه.ق. مسلمانان تلاش می‌کردند تا جایگاه شعر و شاعری (نیاز ذاتی انسان) را در جامعه دینی و اندیشه‌های عرفانی (نص قرآنی) تبیین کنند؛ چراکه قرآن نیز به کلی شعر را نفی نکرده و شاعران مؤمن و صالح را استثنا کرده است (همان: ۸۲).

دلگشنامه آزاد کشمیری منشوری است که با تورق در آن می‌توان تلاقی سبک خراسانی و سبک هندی را به‌صراحت مشاهده کرد.

۲- بررسی سبک هندی در دلگشنامه

۲-۱. زبانی

۲-۱-۱. لغوی

۲-۱-۱-۱. استمرار واژگان ترکی (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۳۹۷)

۱. رئالیسم یا واقع‌گرایی در قرن ۱۰ (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳-۷۲).

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۷۸

انباغ، یتاقی گری، نجق یا نجک و ...

۲-۱-۱-۲. استمرار واژگان عربی (همان: ۳۹۷): با توجه به این که متن یک حماسه دینی هست واژگان و ترکیبات عربی به وفور در این متن دیده می شود.
عناد، اغماض عین، خیرالورا، خیرالنسا، مافی الضمیر، نعیم، میرز، راغ و...

۲-۱-۱-۳. ورود واژگان جدید: (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۰۴)

معنی کجایی و چنگت کجاست؟ به هندی زبان راک و رنگت

۲-۱-۱-۴. افزایش بسامد بعضی واژگان (خسروی، ۱۳۹۷: ۹۷).

زبان نفهمیدنی زرگری است ندانم شنید آن که این حرف
چو مقراض یک دل دو تن بریدند اوراق عمر عدو (۱۲۹)

۲-۱-۱-۵. ساخت ترکیبات تازه (خسروی، ۱۳۹۷: ۹۶)

سپهدار دین با سپاهی که بود ز سنجاب شب بالش پر نمود
ج (۱۰۲)

ز رایات السوان هوارنگ چون تصویر طاووس باغ فرنگ (۱۱۰)

۲-۱-۱-۶. استفاده از لغات محاوره و الفاظ بازاری (آریان، ۱۳۵۲: ۲۸۱).

دو روزی دگر گر چنین پا به جا بمانید دشمن نماند به پا (۴۳۷)

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۷۹

بیا ساقیا روز جشن من است شرابی کبابم دل دشمن است

نخستین قلم را گهر بار کرد به نام خدا خیلکی کار کرد (۱۶۶)

۷-۱-۱-۲. ترکیبات عطفی محاوره‌ای

محمدحسین خسروان معتقد است: برخی از ابیات گرچه از لحاظ لفظ و معنی ایرادی ندارد، بیان عامیانه از لطف آن کاسته و شعر را از مقام آسمانی‌اش نزول می‌دهد؛ چنان‌که هیچ ذوق سلیمی آن را نمی‌پسندد (خسروان، ۱۳۸۳: ۱۹۸)؛ اگرچه برخی از این تعبیرات و عبارات ضرب‌المثل شده است.

ز پشت یزید ابن حارث به تن فزون یک سر و گردن از اهرمن

یا

از او گلشن نظم را رنگ و بوست فلک سر خوش از باده بزم اوست

۲-۱-۲. صرفی و نحوی

۱-۲-۱-۲. اجتناب از اوزان سنگین (آریان، ۱۳۵۲: ۲۹۲): وزن متقارب (فعولن فعولن

فعولن فعل)

همه غرق آهن چو اسفندیار همه نیزه‌داران خنجرگذار (۱۳۳)

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □□ ۸۰

۲-۲-۱-۲. عدم رعایت ترتیب درست کلام (آریان، ۱۳۵۲: ۲۹۳) و گاه غلط‌های صرفی و نحوی که ناشی از حضور شعر در میان عوام یا شاعرانی است که زبان مادری‌شان فارسی نبوده است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۰۳).

به جنگی که بستم میان، ز آن کمنم فتح ناکرده چون

یا:

به رزم عیبید زیادم بده اجازت شجاعت به یادم بده

۲-۲-۱-۳. بسامد بالای استعاره فعلی (فتوحی، ۱۳۹۸: ۳۱۷)

به کشت حیات جفایشه‌ها بیارند آتش چو برق از هوا
به این روبه زشت‌خو پنجه را نیالود شیرخدا مرتضی (۴۷۸)

۲-۲-۱-۴. مصراع‌های پرسشی (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)

پرسش بلاغی یا هنری یکی از بارزترین ویژگی‌های سبک‌هندی است که شاعران این سبک برای خیال‌انگیزی بیشتر اثر و معناگرایی خود از آن بهره‌برده‌اند. پرسش‌هایی که در پس معنای خود، معنای دیگری را نهفته دارند:

• پرسش به نشانه هشدار و آگاهی (کزازی، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

بگفت ای برادر چرا غافل؟ ز پیکار مختار اگر عاقلی (۳۸۰)

• سرزنش و نکوهش (همان: ۲۱۰)

۸۱ جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □

ترخم به تنهایی او چرا نکردید در دشت کرب و

شما را خیر از سپهدار نیست؟ که بیداد آیین مختار

• فرمان و بازداشت (همان: ۲۱۱)

بگو ای دلاور در این چند سال چه دیدی ز بیدادگر جز

• آرزو (همان: ۲۱۲)

سرش را جدا تا نینم ز تن شود کی به خواب آشنا چشم

• اندوه و دریغ (همان: ۲۱۳)

تخلص گر آزاد دارم چه سود؟ کز غم زمانی رهایی نبود (۸)

• پرهیز و دوری (همان: ۲۱۴)

تو تنها و دشمن هزاران هزار چه آید ز یک تن به میدان

• ناامیدی و درماندگی (همان)

سرت گردم ای مایه خوش دلی ز غم دیدگانت چرا غافلی؟

سرت گردم ای باز مردم ربا هوا شد تذروی کجایی

• انکار (همان: ۲۱۷)

رضای حسین علی بس مرا دراین فن کجا کو هم آورد

منم رستم داستان مرد من بود چشم تحسین کی از کس

• تعجب و شگفتی (علوی مقلّم و اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۶۳)

خدا با علی و علی با خداست چنین بنده و بنده پرور

• تحقیر (همان: ۶۴)

کسی را که باشد چنین پایه‌ای چه گوید ثنایش فرومایه‌ای؟ (۹)

• ریشخند و مسخره (همان)

گرفتم تو را روی ناورد نیست یکی هم در این انجمن مرد

امیری که باشد رسولش چو تو به روی زمین کیست؟ با من بگو

• تعظیم و تکریم (همان: ۶۵)

چه غم دارد از آفتاب جزا؟ بود هر که در سایه مصطفی (۹)

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۸۳

بگو قطره آب چون خوانمش؟ که دریای موج می‌دانمش (۱۱)

• دعا (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

بود حافظ آن را که دادار پاک ز بسیاری دشمنانش چه

• تهدید مخاطب (همان)

مر او را براهیم گفت ای پلید خبر داری آیا که مرگت

• خبر غیرمستقیم و مؤدبانه (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۷۹)

نجوشد به هم آب و آتش اگر کجا شمع مومی شود

• امر غیرمستقیم و مؤدبانه (همان: ۱۷۹)

ز من از برای چه رنجیده‌ای؟ غلط کرده‌ای آنچه سنجیده‌ای

• تشویق (همان)

مغنی کجایی و چنگت کجا است؟ به هندی زبان راک و رنگت کجا

یا:

چه بنشسته‌ای زود باش ای هزبر به خون تشنه شیرم، کجا تاب و

• نهی (همان: ۱۸۰)

کز کار مردان جنگ، آزما خبر آورد بغض و کین تا

برای جهان کآن ندارد بقا عداوت به آل پیمبر چرا؟ (۳۸۳)

• استفهام انکاری: انکار و نفی چیزی (همان)

چه حاصل کنی؟ گر خدا را به غیر از دم حیدری (۱۰)

یا:

نه دل ماند با دشمنان نه خرد ز آتش کجا خار و خس جان

• استفهام تقریری: اقرار مخاطب به صحت قول گوینده (همان):

ز اظهار مطلب چه رانم سخن؟ که آگاهی از آرزوهای من

• اظهار مخالفت و بیان عجز (همان: ۱۸۱)

ستاید کسی را که خیرالورا چه یارا ثنا گفتن او مرا؟ (۱۰)

• بیان کثرت: بیان ملال و خستگی از کثرت تکرار چیزی (همان: ۱۸۳)

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۸۵

چه گویم از او رفت بر من چه‌ها؟ کنم شرح احوال خود تا

یا:

چه گویم به یاد حسین شهید چه فریادها لشکر دین کشید

• اظهار امیدواری (همان)

به من گفت شخصی ز روی کرم که داری چرا سر به زانوی

• تقاضا و کسب اجازه (همان)

چه گویی؟ که با لشکر کینه‌جو بر آیم برون من به پیکار او/بیت

• شمول حکم (همان: ۱۸۳)

زبان بیان از کجا آورم؟ که من شکر نعمت به جا آورم؟

یا:

کنی نعمت از شکر نعمت فزون بر آید کس از عهده شکر

• اغراق (همان: ۱۸۴)

به ناورد من بس دلیر آمدی چه بودت کز عمر سیر

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) ۸۶

کجا رستم زابلی زال کو؟ دلیری به این یال و گوپال

• تنبّه و عبرت (همان)

سکندر کجا رفت و آینه‌اش چه شد روشنک یار دیرینه‌اش

• تجاهل مفید اغراق یا تجاهل العارف (همان: ۱۸۵)

ندانم که این رستم زابلی است و یا پرفسون جادوی بابلی

• اظهار بی‌تابی یا استبطاء (همان)

گرفتار هندوستان تا به کی؟ به زَنار زلف بتان تا به کی (۱۳۰)

• بیان منافات و استبعاد (همان: ۱۸۶) من کجا تو کجا؟

نمی‌بود باعث اگر نور او کجا خلق موسی کجا طور

یا:

ندارم به غیر از هزیمت علاج کجا من کجا بصره کو تخت و

• ندامت (همان)

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۸۷

چه افکنده‌ای سر به زانوی درد؟ رخت را چرا رنگ پدرود کرد

● به جهت استیناس و باز کردن سر صحبت (همان)

از این قطع ره رأی و کام تو بگو از کجایی و نام تو

● گله و شکایت

بیا ساقی‌ای مایه خوش دلی ز دُردی کشانت چرا

● ارشاد

گذشتی چرا بهر دنیا ز دین؟ چو تو کیست بی بهره از آن و

۲-۲. ادبی

در سبک هندی، انبوهی صور خیال سبب دوری سخن از روشنی و صراحت و در نتیجه خیال‌انگیزی و دیرباب شدن معنای شعر است که صفتی پسندیده است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۲۵)

سخن مختصر، با سپر چون خیار دونیمش نمود آفرین صدهزار

۲-۲. ۱. تشبیهات و استعارات غریب و استعاره مکنیه (آریان، ۱۳۵۲: ۲۷۹)

دلّم دارد از جوش نصرت صدف گوهر مژده را گشت

ز مشکین غزال شب عنبرین برد نافه فیض آهوی چین (۱۰۲)

یا:

مرا پنبه شیشه باده کن کتان پاره ام ماهی آماده کن (۹۶)

دو گوشم بود چشم هم چون کآرد مگر گوهری را به کف
چو در دیده اش برد ره دزد شد اول متاع نگه مزد خواب

۲-۲-۲. تشبیه مرکب

سکندر که آینه جم جام ساخت مثال دل دردی آشام ساخت
سرا پا در آهن سراسر نهان چو جوهر در آینه از مردمان

۳-۲-۲. تشخیص که نوعی استعارهٔ مکنیه است (فتوحی، ۱۳۹۸: ۳۱۷).

ز شپشاپ تیر و چکاچاک تیغ برون خون دل ریخت از چشم

خرد تا ز مختار آگاه گشت کلاه نشاطش ز گردون گذشت

۴-۲-۲. کثرت تمثیلها، ارسال المثلها و اسلوب معادله (آریان، ۱۳۵۲: ۲۸۰)

تمام مواردی که به عنوان تمثیل آورده می شود مصداق اسلوب معادله نیست در اسلوب معادله دو مصراع، کاملاً از لحاظ نحوی مستقل هستند حال آن که در تمثیل این استقلال نحوی مورد توجه قرار نگرفته است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۶۳)

نه هر زن زن است و نه هر مرد خدا پنج انگشت یکسان نکرد

یا:

کند جمله را دیو چون خود تراود بود هر چه در کوزه آن
نصیحت به قوم چنین بی سخن بود آهن سرد را کوفتن (۴۷۶)

۵-۲-۲. حس آمیزی (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۳۶)

کلامش از آن یافت رنگ قبول که بوده است مداح آل رسول

۶-۲-۲. استفاده از تصاویر پارادوکسی (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۳۶)

به زر دشمنان را به خود رام کن ازین پختگی کارشان خام کن

۷-۲-۲. جناس (قهرمان، ۱۳۸۶: ۴)

سپاهش غنی گشت از تیغ و تیر غنیمت بسی مویی از خرس گیر

۸-۲-۲. ایهام (قهرمان، ۱۳۸۶: ۴)

سر مونیامد ز حارث کمی به آن مردم دیده از مردمی

یا:

ز ناوردگه گر به جان رسته‌اند ز زخم گران سر به سر خسته‌اند

جستارهایی درباره شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم: محور عام) □ ۹۰

جهان رست از گرد افواج شام برآمد برون تیغ مهر از نیام (۲۰۷)

۹-۲-۲. مراعات نظیر (قهرمان، ۱۳۸۶: ۴)

شه کان زر مهر گیتی فروز بزد سگه بر نقره خام روز (۱۰۷)

۱۰-۲-۲. اغراق (خسروی، ۱۳۹۷: ۸۳)

سر سرفرازان ز سُم ستور شب تیره شد سرمه چشم مور

یا:

سنان از پسر این سخن چون به تن هر سر موش خنجر کشید

۱۱-۲-۲. تکرار قافیه لفظ مصراع بیت و یا مضمون

سر تاج خواهان ز نعل ستور جهان کرد چون سرمه در چشم
درآمد یکی تیره گردی ز دور به چشمش که شد سرمه چشم

خسروی معتقد است تکرار مضمون در سبک هندی دو علت دارد: نخست پراگویی شاعران که چون مطلب کم می آوردند مضامین خود را تکرار می کردند و دیگر برای آن که مضمون تازه یافته به نام خودشان ثبت شود و کسی آن را سرقت نکند؛ یک مضمون را به آنجای مختلف تکرار می کردند (خسروی، ۱۳۹۷: ۸۵). پیش از او، خسروان پراگویی را از علل انحطاط شعر در این روزگار دانسته است (خسروان، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

تکرار یک کلمه:

گل و نرگس و لاله و نارون خیابان خیابان چمن در چمن

یا

به او کعب گفت ای ستمدیده مرا ناله‌ات خاطر آواره کرد
به او گفت کعب ای ستمدیده بمیراد آن کاو ستم بر تو کرد

تضمین نیز که خود نوعی تکرار و استمداد از شاعران پیشین است: در لابه‌لای ابیات
دلگشانا، بسیار به چشم می‌خورد؛
مثلاً این بیت، اقتباس از حافظ است

ما ز یاران چشم یاری داشتیم خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم

۲-۳. فکری

شاعر عصر صفوی، شاعری است با تفکر دینی که با دیدی عرفانی به امور می‌نگرد. مضامین و اندرزهای اخلاقی نیز جایگاه ویژه‌ای در تمائیل و مضامین سبک هندی دارد. طبیعت، اشعار بزمی، مدح‌پردازی در وصف پیامبر و امامان شیعه، ساقی‌نامه و مغنی‌نامه در اشعار آزاد کشمیری به وفور دیده می‌شود. در ابیات ساقی‌نامه، وزن و گویش حماسی وجود دارد که در آن شاعر خطاب به ساقی مضامینی در یاد مرگ و بیان بی‌ثباتی حیات دنیوی و پند و اندرز و حکمت و... بر زبان می‌آورد (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۳۹۳ و ۴۳۵).

از آن می‌که گردم ترتم‌سرا به آغاز نامه به نام خدا (۱۷)
نه ز آن می‌که مخمور و مستم از آن می‌که مست الستم کند

۲-۳-۱. رواج نوعی حکمت عامیانه (آریان، ۱۳۵۲: ۲۸۹)

جنان را طلبکار دنیا بهشت که زارع همان بدرود آنچه
چو در بیشه شیرها رو نهی بود خواب خرگوش از روبهی

یا:

شب و روزم این است ورد زبان که جویندگانند یابندگان (۱۳۸)

۲-۳-۲. بیان احوال و عواطف شخصی و احساسات مربوط به زن و فرزند و خویش و
پیوند (آریان، ۱۳۵۲: ۲۹۲)

نه هر زن زن است و نه هر مرد خدا پنج انگشت یکسان نکرد

۲-۳-۳. یأس (خسروی، ۱۳۹۷: ۷۷)

تو ای کوه کن حرف من گوش سخن های شیرین فراموش کن

نه از باده عقل مخمور بود که چون شمع تصویر، بی نور بود

۲-۳-۴. مخالف خوانی (خسروی، ۱۳۹۷: ۷۸)

۲-۳-۵. جستجوی معنی بیگانه (خسروی، ۱۳۹۷: ۸۰)

چه کوفه جهنم زمین فرنگ بهشتی است نسبت به آن گور

۳. نتیجه‌گیری

گذشته از مذهب شیعه سراینده دلگشنامه و خانواده زبانی مشترک ایران و هند، در مفهوم سیاسی نیز اشتراکات بسیاری میان ایران و هند برقرار بود: در دوره صفوی، هند، بخشی از ایران بود؛ در واقع امیر تیمور سرزمین فرارود (ماوراءالنهر) را از آسیای میانه تا ایران و عثمانی و خراسان و بخش‌هایی از هند گسترده بود و بسیاری از پادشاهان هندی چون بابر، بنیان‌گذار سلسله بابریان هند به کمک شاه اسماعیل صفوی به حکومت رسیدند (یا حقی و فرزاد، ۱۳۸۲: ج ۲/ ۳۸-۹).

آزاد کشمیری، شاعر بزرگ سبک هندی که سرایش دلگشنامه و تکمله حمله حیدری به زبان فارسی را در کارنامه خود دارد بارها به استادی فردوسی در کنار استادان هندی خود اشاره کرده است. حماسه معروف او که در بحر متقارب سروده شده است منشوری است که با تورق در آن می‌توان شواهد بسیاری از سبک خراسانی و هندی مشاهده نمود. براین اساس، در این پژوهش، گوشه‌ای از هنرنمایی‌های این استاد توانمند به نمایش گذاشته شده است.

کتابنامه

- آریان، قمر. (۱۳۵۲). «ویژگی‌ها و منشأ پیدایش سبک مشهور به هندی در سیر تحول شعر فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال نهم. شماره دوم. شماره پیاپی ۳۴. صص ۹۷-۲۶۱.
- آزاد کشمیری، میرزا ارجمند محمد خلف ابوالقاسم عبدالغنی بیگ. (۱۱۸۴ ق.). دیوان نامه دلگشا. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۱۸۷۹۱. [نسخه خطی] تألیف ۱۳۱۱ ق.
- خسروان، محمدحسین. (۱۳۸۳). اوج و انحطاط سبک هندی. مشهد: سخن گستر.
- خسروی، حسین. (۱۳۹۷). «بازشناسی ویژگی‌های سبک هندی». نشریه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. سال یکم. شماره ۳۱. صص ۱۰۶-۷۵.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان و معانی. چاپ هفتم. تهران: فردوس.
- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۱). معانی و بیان. چاپ سوم. تهران: سمت.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). نقد ادبی در سبک هندی. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. چاپ سوم. تهران: سخن.
- قهرمان، محمد. (۱۳۸۶). برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی. چاپ ششم. تهران: سمت.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۰). زیباشناسی سخن پارسی (معانی). چاپ پنجم. تهران: مرکز (کتاب ماد).
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۲۰۰۲). «حماسه‌سرایی سعدی؟». ایران‌شناسی. دوره جدید. سال ۱۴. دانشگاه آکسفورد. دانشکده شرق‌شناسی. ژوئیه ۲۰۰۲.
- یاحقی، محمدجعفر؛ فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات ایران و جهان. دو جلد. چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.